

بخش دوّم

چند گزارش از روستاهای ترکمن صحرا

تاتار علیا

این ده، با ۵۲۰ خانوار که ۳۲ خانوار آن ترکمن و مابقی غیر ترکمن اند در ۲۰ کیلومتر گنبد کاوس قرار دارد. ۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد و طبق نقشه به طور تقریب مساحت آن محدوده آن ۲۵۰۰ هکتار است. قبل از سال ۱۳۱۱ مسائل ده تحت نظر آق ساقال‌ها (ریش سفیدها) قرار داشت. مبنای تصمیم‌گیری آق ساقال‌ها بر مشورت با اهالی ده قرار داشت و حل و فصل معضلات بر طبق موازین عرفی و شرعی صورت می‌گرفت. رضاخان طبق قانون اسناد و املاک مصوبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۱۱ کلیه اراضی گرگان و گنبد و دشت را جزو املاک اختصاصی خود ساخت و تا سال ۱۳۱۷ تمام قریه‌ها و قصبات منطقه گرگان، گنبد و زشت به استثنای چند مرتع شمالی به همین ترتیب به ثبت رسید.

در ۲۰ شهریور ۱۳۲۰ کلیه املاک اختصاصی به دولت واگذار گردید و پس از آن از تاریخ ۱۲ خرداد ماه ۱۳۲۱ قانونی به منظور بازگرداندن این املاک به صاحبان اولیه‌اش به تصویب رسید. طی این قانون، به صاحبان این اراضی ۶ ماه فرصت داده شد تا جهت پس گرفتن زمین‌های خود اقدام کنند. پس از چندی ۱۷ ده از جمله تاتار علیا توسط خانم یوسف مارامانی، حاجی عراقلی رستگار، خدراقچلی و آنته‌موخد واحدی پس گرفته می‌شود. در تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۲۹ محدوده دوزستانی تاتار علیا و تاتارسفلی توسط اقراد

فصل اول:

گزارش‌هایی از زندگی مردم ترکمن صحرا

فوق‌الذکر به آقایان اراز جرجانی، پوروق جرجانی، آق اوپلی تاتاری، یلفی بردی تاتاری، امان دوردی تاتاری، ساعت جرجانی و امان تاتاری فروخته می‌شود. هشت نفر اخیر این دو روستا را در تاریخ ۱۶ دی ۳۶ در ۳۵۵ سهم به اهالی ده می‌فروشند. از این به بعد مالکیت در این منطقه عمدتاً به صورت خرده مالکی است. لیکن کشت و برداشت محصول، توسط اهالی ده به صورت جمعی انجام می‌گرفته است. طی این مدت دامداری عمده‌ترین کار روستائیان به حساب می‌آمد. تا اینکه زمین خواران با استفاده از تفکیک نشده بودن زمین‌ها هجوم خود را به روستاها شروع کرده و در این راه با یکدیگر به رقابت پرداختند. شروع غصب زمین‌های تاتار علیا از طریق دو نفر به اسامی حاج جمعه و بیرقچی و حاج امان وردی قجقی صورت می‌گیرد. حاجی جمعه بیرقچی (عمده مالک فعلی دهکده) که ۶۰ هکتار زمین جهت دامپروری از ۴ نفر عمده مالک فوق‌الذکر خریداری کرده بود با علم به اینکه زمین‌ها تفکیک نشده‌اند، اولین مدعی و غاصب زمین‌ها بود. وی سندی از ۶۰ هکتار زمین خود داشت، با مستمسک قرار دادن این سند و با کمک ژاندارمری چندین قطعه زمین ۶۰ هکتاری را غصب کرده و به نام خود ثبت می‌کند. روستائیان برای احقاق حق خود به نزد سرهنگ گودرزی که در آن موقع ۲۷۰ هکتار زمین استجاری از روستائیان را در اختیار داشت می‌روند. از این به بعد نظامیان، وکلا و... هر یک روستائیان را به دیگری حواله می‌دهد و در این بین خود نیز صاحب زمین می‌گردد. برای مثال سرهنگ گودرزی، سرهنگ فغانی را به مردم معرفی می‌کند. فغانی نیز بدون انجام عملی صاحب ۲۵۰ هکتار زمین می‌شود. فغانی ظاهراً از طریق پسرش رضا فغانی (که وکیل بود) قضیه را به دادگستری می‌کشانند. وی نیز در این بین ۱۴۰ هکتار زمین به دست می‌آورد قجقی‌ها که شاهد تخریب و پشتکار روستائیان برای پس گرفتن زمین‌های خود بودند، در صدد برمی‌آیند تا زمین‌هایی را که روستائیان روی آن کشت و کار کرده و تا چندی دیگر قرار بود محصول آن را برداشت کنند شخم بزنند. تا بدین ترتیب آخرین آثار و علائم مالکیت روستائیان را نابود سازند. روستائیان از این موضوع مطلع شده و بر سر زمین‌ها نگهبانی می‌دهند و مانع ورود تراکتورهای متعلق به قجقی‌ها به زمین‌هایشان می‌شوند.

مقاومت روستائیان در مقابله با خانواده قجقی‌ها، ایشان را بر آن می‌دارد تا

با کمک اشخاصی چون سروان عقیلی رئیس وقت ژاندارمری شاه‌بند سابق، شرتیب توماچ نماینده وقت گنبد، سرلشکر معزی و نماینده‌اش محمود خسروی به سرکوب روستائیان پردازند.

در یکی از روزهایی که عده‌ای از روستائیان برای ممانعت از ورود تراکتورهای قجقی‌ها که برای از بین بردن محصول آمده بودند، به سرزمین می‌روند خود را با ۴ ماشین ژاندارم مواجه می‌بینند، ژاندارم‌ها ابتدا تعدادی اسب را به گلوله می‌بندند و سپس شروع به تیراندازی به سمت روستائیان می‌کنند. در این درگیری ۲ نفر بنام‌های آنه‌گلدی جرجانی و اراز جرجانی کشته و ۷ نفر زخمی می‌شوند. حتی زنان نیز مورد هجوم سربازان قرار می‌گیرند و مضروب می‌شوند و نیز تعدادی دستگیر شده و به زندان فرستاده می‌شود. حاصل این تپانی بین قجقی‌ها و نظامیان و نتیجتاً سرکوب روستائیان، واگذار کردن مقداری از زمین‌های غصب شده به مقامات اداری و نظامی از جمله محمود خسروی بود. به این طریق غاصبان ترکمن و غیر ترکمن جای پای خود را در تاتار علیا محکم کردند. غاصبان از این پس اکثر زمین‌ها را مکانیزه کرده و از زابلی‌ها و یا بلوچ‌ها که در همان دوره سیل وارد به ترکمن صحرا مهاجرت می‌کردند به عنوان کارگر روزمزد استفاده می‌کنند. این نیز به نوبه خود در هر چه بدتر کردن اوضاع اهالی ده تأثیر می‌گذارد.

هم اکنون اکثریت اهالی ده خرده مالک‌اند و هر خانوار از ۱ تا ۲ تا حداکثر ۳۰ هکتار زمین دارند.

کمیت زمین‌های غصبی

کل زمین	مصدر شده توسط
۱۰۰ هکتار	۱- چنگیز تابعی (فارس، دلال ژاندارمری)
۱۵۰ هکتار	۲- سرگرد فغانی (فارس)
۶۰ هکتار	۳- محمود خسروی (نماینده سرلشکر معزی - فارس)
۱۳۰ هکتار	۴- اشرفیان (فارس، تاجیک)
۶۰ هکتار	۵- میلانی (فارس، وکیل دادگستری)
۱۴۰ هکتار	۶- سرگرد رضا فغانی (وکیل - فارس)
۲۰۰ هکتار	۷- حاج فتح‌الله منتظری
	۸- حاج نعمت‌الله منتظری
۲۰۰ هکتار	۹- یحیی منتظری

۱۰- اراز عشقی

۴۰ هکتار ۴۰ هکتار

۱۱- حاجی وکیلی

۷۶ هکتار ۷۶ هکتار

در جریان انقلاب تعدادی از اهالی ده گردهم جمع شده و طی این گردهمایی تصمیماتی دال بر احقاق حقوق ضایع شده دهقانان می‌گیرند. پس از سرنگونی رژیم شاه با شرکت اهالی ده جلسه‌ای برگزار می‌شود و طی آن ۸ نفر به نمایندگی از اهالی ده انتخاب شده و شورای روستا را تشکیل می‌دهند. این شورا در بدو تشکیل خواست‌های اهالی ده را به شرح زیر اعلام می‌دارد:

- ۱- بازپس گرفتن زمین‌های غصب شده اهالی به مساحت ۴۵۰ هکتار
- ۲- همکاری با روستائیان قورچای، اوغلی پائین و اوغلی بالا برای پس گرفتن زمین‌های غصب شده اهالی روستاهای مزبور به مساحت ۴۰۰ هکتار
- ۳- مصادره ماشین‌آلات کشاورزی و وسائل مربوط به غاصبان زمین
- ۴- کشت زمین‌های بازپس گرفته شده به صورت تعاونی
- ۵- جلوگیری از تجاوز به مراتع و مرزبندی آنها و مرمت راه‌ها
- ۶- حل اختلافات محلی و ایجاد ارتباط مستمر با روستاهای هم جوار جهت همکاری و همفکری

۷- تشکیل شورای قالیبافان از طریق انتخابات آزاد

۸- ایجاد صندوق تعاونی جهت کمک به افراد نیازمند (به صورت غیر نقدی)

۹- ایجاد و گشایش کتابخانه و سالن سخنرانی و دفتر شورای روستایی

۱۰- اقدام به حفر چاه با همکاری اهالی برای تهیه آب آشامیدنی و تأسیس حمام

پس از فرار غاصبان از روستا، شورا به همراه اهالی مقداری از زمین‌های غصب شده را مصادره می‌کنند. این مقدار حدوداً ۸۵۰ هکتار است که به شرح بالا به روستائیان تاتارعلیا و اوغلی بالا، اوغلی پائین و قورچای تعلق داشته است. زمین‌های مصادره شده توسط روستائیان به طور دسته جمعی کاشته شده و قرار است محصول مشترکاً بین روستائیان تقسیم شود. باید متذکر شد که نحوه کار اشتراکی ریشه در سنن و تجربه عینی ترکمن‌ها دارد (اصطلاح «لوار» که در گذشته بین ترکمنان مصطلح بوده به مفهوم کار اشتراکی است).

پس از مصادره زمین‌ها ماشین‌آلات غاصبان نیز توسط شورا ضبط گردید و روستائیان این وسائل را همراه با ماشین‌آلات خود برای بهره‌برداری از آنها در اختیار شورای ده قرار داده‌اند.

در تلاش جهت تحقق خواسته‌ها و احقاق حقوق از دست رفته اهالی، شورای ده، به زبلی‌ها و بلوچ‌ها نیز پیشنهاد همکاری و شرکت در کارهای اشتراکی روستا را می‌نماید. اما این دعوت از طرف بلوچ‌ها و به خصوص زبلی‌ها مورد قبول قرار نمی‌گیرد. علیرغم این موضوع، شورای ده سعی دارد زبلی‌ها و بلوچ‌ها را در کارهای مشترک با ترکمن‌ها هم‌گام سازد. از این رو اعضای شورا اخیراً اعلامیه‌ای توزیع کرده و طی آن انحلال شورا را اعلام کرده‌اند و خواستار برگزاری انتخابات مجدد شده‌اند تا زبلی‌ها و بلوچ‌ها بتوانند خود را برای شرکت در انتخابات کاندید نموده و نمایندگانی در شورای ده داشته باشند. (در انتخابات قبل زبلی‌ها و بلوچ‌ها در انتخابات شرکت داشتند اما علیرغم خواست و اصرار ترکمن‌ها کاندیدایی برای شرکت در شورای ده اعلام نکردند).

در حال حاضر شورای تاتارعلیا وابسته به ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا است و به اتفاق شوراهای ۷ ده دیگر اتحادیه‌ای به نام «اتحادیه شوراهای روستا» تشکیل داده‌اند. این اتحادیه هر چند یکبار جلسه مشترکی را برگزار می‌کند. کار این جلسه رسیدگی به مسائلی است که از عهده یک شورا به تنهایی خارج است و نیز به مسائل مشترک روستاها رسیدگی می‌کند. هر یک از این شوراهای به نوبه خود مسائل روز روستائیان و دعوی حقوقی را حل و فصل کرده و عملاً روستائیان را از مراجعه به زاندارمزی و سایر ادارات دولتی بی‌نیاز ساخته است.

از طرف دولت عملاً کارشکنی‌هایی در کار شوراهای صورت گرفته و موانعی در راه این شوراهای ایجاد شده است. از جمله بنا به گفته یکی از اعضای شورا، هنگامی که قصد خرید بذر برای کشت زمین‌های مصادره شده را داشتند، بذر تحریم شد. بذر قبلاً به قیمت کیلویی ۲۲ ریال توسط اداره توسعه کشاورزی به روستائیان فروخته می‌شد. روستائیان به اداره توسعه کشاورزی مراجعه کرده و تقاضای بذر می‌کنند. این اداره به روستائیان جواب می‌دهد در صورتی که ایشان تأییدی مبنی بر حقانیت خود در مالکیت زمین‌های مصادره





شده از طرف آنهفلج نقشبندی (سردسته مرتجع حماقداران و طرفداران قانون اساسی و مدافع فتوئالها) بناورند به انشان بدر می فرودند و روستائیان مجبور می شوند بذر ۲۲ ریال را از بازار آزاد کیلویی ۴۵ ریال تهیه کنند.

گزارش شورای روستایی «تاتارعلیا»

هنوز زمان زیادی از تشکیل شوراهای نگذشته است، ولی به این دلیل که شوراهای آن بوده‌هاست، مردم از هیچ کوشش و حمایتی در پیشبرد برنامه‌های آن دریغ نمی‌کنند. کارنامه درخشان شورای روستای تاتارعلیا گواه این حقیقت است که توده‌ها می‌توانند با تکیه به نیروی خویش بسیاری از مسائل و مشکلاتی را که دولت‌ها هرگز تا کنون انجام نداده‌اند، به خوبی و در مدتی کوتاه حل کنند. شوراهای دشمنان خلق را به وحشت می‌اندازند زیرا منافع چپاول و غارت از بابیان را از جنگالشان خارج می‌کنند، ولی وقتی که توده‌ها سعادت و آسایش را با قدرت شوراهای به دست آورند و طعم آن را بچسند، هیچ نیروئی قادر نیست آن را از توده‌ها بگیرد. دشمنان خلق یعنی عمال رژیم سابق و زمینداران بزرگ منطقه ترکمن صحرا، کوسبند تا با ایجاد جنگ شوراهای را نابود کنند تا بازهم برگزیده خلق سوار شوند ولی اگر دیروز پانصداران ساده‌دل و جوانان معصوم را می‌توانستند فریب دهند و علیه خلق آنان را بشورزند، امروز همه بی برده‌اند که خلق‌ها چه می‌گویند و چه می‌خواهند و دشمن چرا و چگونه علیه خلق‌ها توطئه می‌کند.

خواستهای روستائیان تاتارعلیا:

- ۱- بازس کردن زمین‌های عصبی اهالی روستا به مساحت ۴۵۰ هکتار.
- ۲- همکاری با روستائیان فورجای، اوغلی بائین، اوغلی بالا برای استرداد زمین‌های عصبی اهالی روستاهای مرزور به مساحت ۴۰۰۰ هکتار.
- ۳- مصادره ماشین‌آلات کشاورزی و وسائل مربوط به آن از غاصبان زمین.
- ۴- کشت زمین‌های بازس گرفته شده به صورت تعاونی.
- ۵- جلوگیری از تجاوز به مراتع و مرزبندی آنها و مرمت راه‌ها.

- ۶- حل اختلافات محلی و ایجاد ارتباط مستمر با روستاهای هم جوار جهت همکاری و همفکری.
- ۷- تشکیل شورای قالیبافان از طریق انتخابات آزاد.
- ۸- ایجاد صندوق تعاونی جهت کمک به افراد نیازمند به صورت غیرنقدی.
- ۹- ایجاد گشایش کتابخانه و سالن سخنرانی و دفتر شورای روستایی.
- ۱۰- اقدام به حفر چاه با همکاری اهالی برای تهیه آب آشامیدنی و تاسیس حمام.

گزارشی از روستای «قرلجه» (مرجان‌آباد)

روستای «قرلجه» در جنوب شرقی گنبد کاووس و به فاصله نزدیکی از آن واقع است. این روستا در واقع شامل دوده بوده است که در مجاورت یکدیگر قرار داشته‌اند. اهالی ده غربی مرکب از ۵۴ خانوار بوده و ساکنان اصلی روستا را تشکیل می‌دهند. این ده مالک اصلی زمین‌های کشاورزی غصب شده است. اهالی ده شرقی که اکنون بیش از چند خانه متعلق به یک خانوار از آن باقی نمانده و نسبت‌شان به ایل آتابای برمی‌گردد پیش از شروع غصب زمین‌ها توسط فاریابی در حدود ۱۵ خانوار بوده‌اند که از جانی دیگر به این روستا کوچ کرده و اشتغال عمده آنها دامداری بوده است. اهالی این ده از مراتع اطراف روستا برای چرای دام استفاده کرده و خود نیز بر روی زمین‌های اهالی ده غربی کار کرده‌اند.^(۱)

کل زمین‌های روستا به گفته اهالی در حدود ۷۰۰ هکتار است که از این مقدار تنها ۱۵۰ هکتار آن تحت مالکیت اهالی بوده و بقیه را فاریابی غصب کرده بود. البته خود فاریابی ادعا می‌کند که بیش از ۳۸۰ هکتار زمین در مالکیت خود ندارد.^(۲)

۱- از قرار معلوم این ده بعد از اینکه زمین‌های غصب شده از طرف مرجان خان به نام مرجان‌آباد به رضاشاه فروخته شده به وجود می‌آید و از آن پس کل روستای قرلجه از نظر دولت مرجان‌آباد نام دارد.

۲- این ارقام تقریبی است.

زمین‌های غصب‌شده و به‌عنوان رسیدگی به شکایات اهالی بین آنان تقسیم می‌شود مساحت زمین‌های تقسیم شده بین ۱، ۲، تا حداکثر ۴ هکتار بوده است. سند این زمین‌ها به اسم اهالی و سند قزلبچه که این از نظر دولت مرجان‌آباد نام دارد به اسم فاریابی صادر می‌گردد و به این ترتیب غصب نام قانون بر خود می‌گذارد.

پس از اصلاحات ارضی در سال‌های ۴۲-۱۳۴۰ مهاجرت بلوچ‌ها و زابلی‌ها به منطقه شروع می‌شود. آنها که از شدت فقر و گرسنگی ناچار از مهاجرت شده‌اند ابزار بسیار خوبی در دست اربابانی چون فاریابی می‌شوند و فاریابی با دستمزد کم آنان را به کار می‌گیرد و به تدریج که مهاجرت افزایش می‌یابد دستمزد بر اثر رقابت پائین می‌آید. ترکمن‌ها که از زمین‌های خود رانده شده و برای تأمین معاش ناچار از انجام کارگری برای فاریابی هستند از این راه نیز زیان می‌بینند زیرا آنها هم ناچار به قبول دستمزد کمتر هستند.^(۱)

قیام بهمن ماه و شروع حرکت دهقانان

قیام بهمن ماه سدعظیم خوف و ترس روستائیان رادرهم می‌شکند و مرجان‌آباد از اولین دهاتی است که علیه غاصب قیام می‌کند. قبل از قیام یکی از روستائیان که قبلاً هم در جریان غصب بازداشت و شکنجه شده بود سراغ فاریابی می‌رود و از او می‌خواهد که با آنها به توافق برسد. فاریابی ابتدا او را تهدید به بازداشت مجدد می‌کند و بعد اعتراف می‌کند که می‌داند مسئله مالکیت یا عدم مالکیت او بر زمین‌ها به بقای رژیم وابسته است. اگر رژیم نباشد او هم هیچ است. پس از قیام اهالی زمین‌ها را مصادره می‌کنند، برای اداره زمین‌های مصادره شده تشکیل شورا می‌دهند و اعضای شورا را با انتخابات آزاد به تعداد ۵ نفر انتخاب می‌کنند. در حدود ۶ خانوار بلوچ که از چند ماه قبل از قیام به استخدام فاریابی درآمده بودند از روستا کوچ می‌کنند.

در گذشته، از آنجا که شیوه‌های ابتدائی تولید و ابزار ابتدائی (گاو، خیش) و محدودیت‌های دیگر، توانائی اهالی را برای کشت و کار محدود می‌کرد، همه زمین‌ها زیر کشت نمی‌رفت. هر خانوار بسته به تعداد گاو و خیش و نیز مقدار کار خانواده، مقداری محدود از زمین را شخم می‌زد و می‌کاشت و برداشت می‌نمود. لذا مقداری زمین به صورت مرتع باقی می‌ماند که برای چرای دام مورد استفاده قرار می‌گرفت. مالکیت هر خانوار بر مقدار زمین زیر کشت‌اش که از آغاز به‌طور مشخصی وجود نداشت به تدریج تثبیت شد. هرچند که در اینجا نیز مانند بیشتر نقاط ترکمن صحرا بقیائی از سنت کار اشتراکی گذشته وجود داشته است.^(۱)

به‌رحال تا سال‌های ۲۸-۲۷ مالکیت عمدتاً به صورت خرده مالکی و مساحت زمین‌ها بین ۲، ۵، ۱۰ و حداکثر تا ۲۰ هکتار بوده است. در این سال‌هاست که غاصبی به نام فاریابی روستا را می‌گیرد. پای فاریابی به منطقه به این ترتیب باز می‌شود که ابتدا ۸ هکتار زمین را از پسر مرجان خان بنام شش دانگ مرجان‌آباد ۵ ساله اجاره می‌کند. پس از آن غصب و سرکوب روستائیان و خراب کردن خانه‌هایشان و ویران کردن قنات‌ها، به کمک ژاندارمری و دادگستری و اداره ثبت شروع می‌کند. دور زمین‌های اهالی ده غربی سیم خاردار می‌کشد و ژاندارم‌ها را برای بیرون کردن آنها به جان‌شان می‌اندازد. خانه‌های ده شرقی را که در محاصره سیم خاردار قرار گرفته‌اند به جز یک خانوار که از او حمایت می‌کند خراب کرده، مسجدشان را ویران می‌کند و مراتعشان را زیر کشت می‌برد. آنها ناچار می‌شوند به حومه گنبد کوچ کنند. اما خانواری که از فاریابی حمایت می‌کند به پاس این حمایت مقداری زمین دریافت می‌دارد که اکنون تحت مالکیت باقی ماندگان آنهاست و نیز در خانه خود باقی می‌مانند.

قبل از اصلاحات ارضی که زمین‌های دربار پهلوی تقسیم می‌شود (۱۳۲۵-۲۶) برای آنکه مالکیت فاریابی بر زمین‌های غصبی تثبیت گردد مقداری از زمین‌های دهات مجاور قزلبچه، «ششمک» و «گداچه» به جای

۱- مطابق این سنت که (باران) نمانده می‌شود هر خانواری که احتیاج به کمک برای کشت و برداشت محصول دارد در روز معینی که از قبل تعیین می‌گردد برای همه اهل ده غذا می‌پزد و در آن روز اهالی به اتفاق روی زمین او کار می‌کنند و کار شخم زدن یا کشت و یا برداشت محصول را به تمام می‌رسانند.

۱- در روستای تانارعلیا گفته می‌شد ترکمن‌هایی که از زمین خود رانده می‌شوند به خاطر حفظ غرور خود حاضر به کارگری در زمین‌های غصب شده‌شان نمی‌باشند و برای کارگری به شهرها می‌روند در صورتی که در قزلبچه چنین نبود.

اهالی ده زمین‌های مصادره شده را از طریق شورا به طریق اشتراکی کشت و برداشت می‌کنند و روی زمین‌هایی که از قبل تحت مالکیت داشته‌اند به همان صورت سابق هر یک جداگانه کار می‌کنند.

شورا علاوه بر اداره تولید، امور حقوقی ده را حل و فصل نموده و امنیت ده را تأمین می‌کند و ارتباط روستا را با روستاهای دیگر از طریق اتحادیه‌ای که مرکب از ۸ ده مجاور یکدیگر است برقرار کرده و به این ترتیب زمینه هماهنگی و همکاری را بین دهات مجاور فراهم می‌کند. نمونه‌ای از این همکاری‌ها کار مشترک اهالی دهات «ایگدرسقلی» و «قرلجه» برای کاشتن لوبیا در ده اخیر است. (شکایت‌نامه اهالی)

احتراماً بدلالات فتوکی تقدیمی (یک قطعه عکس گوشه‌ای از قریه مرجان‌آباد و نمونه‌ای از شکایات قبلی در رژیم سابق) با استخراج میرساند که اهالی قریه مرجان‌آباد حومه گنبد کاووس بطوریکه آب و اجدادمان در این قریه ساکن بوده و اشتغال به کشاورزی در زمین‌های بایر و بکر که خود و اجدادمان آنها با زحمت عرق ریزان و با در آوردن ریشه تلوونی‌زار آماده کشت نموده، داشته‌ایم. شخصی ثروتمند و توانا به نام محمدفاریابی همدانی غیربومی، کلیه اراضی مزروعی این قریه را با اعمال نفوذ و زور سرنیزه عمال رژیم سابق عدواناً و جبراً از ید تصرف ما زارعین خارج و غصب نموده و برای اینکه اثری از زمین‌های آباد شده توسط کشاورزان و خود زارعین قریه فوق‌الذکر باقی نماند، قهراً و جبراً بوسیله قوه قهریه خانه‌های مسکونی و حتی مسجد و عبادتگاه کشاورزان مسلمان آن قریه را تخریب و با خاک یکسان نمود که هنوز هم چند خانواده غیور زارع در محاصره سیم خاردار شخص محمد فاریابی همدانی است. برای اثبات صحت اظهارات فوق آماده‌ایم که از مردم بالغ و مطلع اهالی قریه اطراف مرجان‌آباد از قبیل: پشمک پناده، قرلجه، قونلی، ایگدر و ایمرمحمد قلی آخوند تحقیق و پی‌گیری بعمل آید. ما برای احقاق حق چندین بار به مقامات مسؤول دولت وقت شکایت نمودیم. متأسفانه چون دوران خفقان و استبداد در دولت سابق حکم فرما بود شکایات ما کشاورزان بی‌نتیجه می‌ماند. لذا از مقامات مسؤول دولتی و شرعی استدعا داریم طبق مقررات اسلامی اقدام لازمه را جهت استرداد زمین‌های مزروعی غصب شده توسط آقای محمد فاریابی همدانی قریه منهدم

مرجان‌آباد رامعمول دارند تا بدین وسیله احقاق حق گردد. با تقدیم احترامات فائمه، نماینده قریه مرجان‌آباد

گیرندگان رونوشت جهت اطلاع و اقدام:

- ۱- هیئت و نمایندگان اعزامی نخست وزیری
- ۲- ستاد کمیته انقلاب اسلامی شهرستان گرگان
- ۳- ستاد کمیته انقلاب اسلامی شهرستان گنبدکاووس

روستای ینقاق - نمونه‌ای از روستاهایی که اهالی بومی در باز کردن دست غاصبین غیر ترکمن نقش داشته‌اند

کمیته دهقانی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

محترماً به عرض عالی می‌رسانیم اینجانبان اهالی خرده مالک قریه ینقاق که در این قریه از پدر و جد زندگی کرده‌ایم دو نفر از متنفذین محلی به نام‌های ارازخان البا و مرحوم اسماعیل ماسوریان زمین‌های اهالی را با زور و قلدری غصب نموده و یکصد و سی خانوار این قریه با تنگدستی زندگی می‌نمائیم. زمین‌هایی که خودشان غصب نموده‌اند و همچنین زمین‌هایی که به دیگران پیشکش نموده‌اند به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- پانصد هکتار به ولی محمد محمدی تحویل شد که اکنون در تصرف ورثه اسماعیل ماسوریان و چند نفر دیگر است.
- ۲- ۶۰ هکتار به هرمزخان بختیاری تحویل داده شد که بعد به دیگران واگذار کرد.
- ۳- ۲۵۰ هکتار به محمد فاریابی تحویل داده شد که فعلاً ۷۵ هکتار آن در

به: کانون فرهنگی و سیاسی ترکمن در گنبد کاروس

موضوع: استرداد زمینهای عصب شده از دست زمینخواران و اعمال و وابستگیان رژیم سابق گذشته

احتراماً ما مردم ترکمنه آق آماک با نوری و بیخشن با به های ظلم و استبداد همه با هم تصمیم نظمی

گرمشیم تا زمینهای خویش را از عاصمین و زمینخواران خدا نماند اس کنیا و رفعت و سرزودار است

مادر آورده بودند، مسرد نامم. حال چیت اطلاع با کانون فرهنگی این منطقه گزارش میشود که

قطعات دبل از زمینهای ترکمنه آق آماک توسط اشخاص نامرد در زمین غصب شده است

۱- چله هکتار وسیله زمین گنیش کارمند بانک عمران از مردم غصب و به جای جواد عابدیان و آلد از رودره (آکتون نیز دست عابدیان است)

۲- بیست هکتار وسیله سرهنگ متوجه راد غصب و به جای عباس لطفی و آلد از است

۳- بیست هکتار توسط خود حاجی عباس لطفی غصب گردیده است؛ ۴- چله هکتار توسط اسماعیل و مختار غصب شده و آکتون نیز متصرف است؛ ۵- بیست هکتار وسیله خلیل عبدالله بورکار هند املاک


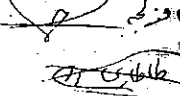
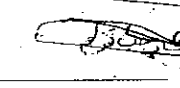
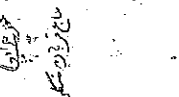
عصب و آکتون دست مقددی است؛ ۶- شصت هکتار وسیله سرهنگ امین زار دیا زور غصب و سر نیزه

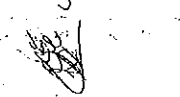
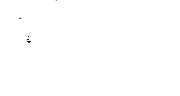

عصب شده و آکتون نیز در دست سرش فرامرز امین زار است؛ ۷- بیست هکتار توسط عسکر فارسی

عصب شده آکتون نیز متصرف است؛ ۸- چله هکتار توسط محمد حسین عقیلی غصب شده آکتون نیز متصرف

است؛ ضمناً یاد آور می شود ما مردم ترکمنه زمینهای مذکور را پس گرفته و مشترکاً از آن تا خدا ک

جان با سهاری خواهیم کرد بیخشن امضاء کنندگان دبل: با تقدیر احترامان مردم سهند برده تره آق آماک

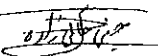
- ۱- محمدی قزاق 
- ۲- عین قزاق 
- ۳- طالبی 
- ۴- 


محمدی قزاق
 عین قزاق
 طالبی

 محمدی قزاق
 عین قزاق
 طالبی

 محمدی قزاق
 عین قزاق
 طالبی



روستای قره سر

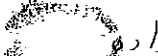
در تاریخ ۱۷، ۲، ۲۰۰۵ در محل اجتماع مردم روستای قره سر جمع شده و تصمیم گرفته شد

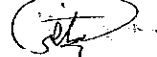
تفاهتاً گرامر

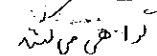
۱- عین حاجی زاده 


۲- قلم دردی 


۳- ماسد قلی حاجی زاده 


۴- مرد محمد بی زاده 


۵- اراز محمد سلطانی 

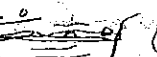
۶-  روستای قره سر

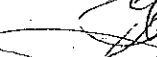
۷-  روستای قره سر

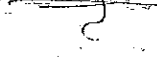
۸-  روستای قره سر

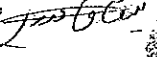
۹-  روستای قره سر


۱۰-  روستای قره سر


۱۱-  روستای قره سر

۱۲-  روستای قره سر

۱۳-  روستای قره سر

۱۴-  روستای قره سر

۱۵-  روستای قره سر

۱۶-  روستای قره سر

بسم الله الرحمن الرحيم استظهاریه

استظهار و برستی پیشین از آقا پانکده اطلاع دارید بر اینک سالهای متمایز است اینمیانان
امضاء کنندگان در منصب و مالک اوقیه های قریبه و شمشک و آنگه در التماسی خاص و متحدت
آخوند و صاحب قلمه و قلمه حقیقین در اراضی مروری و غیر مروری مزجا آباد که اینک عده ای
منظور معروف و صاحب خاصانه آن نام انصافت از مرجان آباد کرده اند، چو عده ای در
در این اوقیه مرقوم فرمایند که محال است حلاله است

انسان هر چه که در این
دیده شود
فصل
مهر

اینکه کسی بدین روز قریه که اینج
فصل
مهر

این قبیل از امضاء کنندگان زیر اوقیه علیا ایگه قریه مناسبت قفلان در این اوقیه قاصدان قریه فرود با هم فرود آباد
و ملک مزبور در مال خاص حال حاضر علیا اوقیه قریه مناسبت قفلان در این اوقیه قاصدان قریه فرود با هم فرود آباد
اوقیه علیا ایگه قریه مناسبت قفلان در این اوقیه قاصدان قریه فرود با هم فرود آباد
الا است نقل ایگه قریه مناسبت قفلان در این اوقیه قاصدان قریه فرود با هم فرود آباد

اینان با عده ای که در این اوقیه قاصدان قریه فرود با هم فرود آباد
ایصال این اوقیه قریه مناسبت قفلان در این اوقیه قاصدان قریه فرود با هم فرود آباد
مالی و بکشت و بکار

اینک از این اوقیه قریه مناسبت قفلان در این اوقیه قاصدان قریه فرود با هم فرود آباد
اینک از این اوقیه قریه مناسبت قفلان در این اوقیه قاصدان قریه فرود با هم فرود آباد
اینک از این اوقیه قریه مناسبت قفلان در این اوقیه قاصدان قریه فرود با هم فرود آباد



وزارت دادگستری

برگه دادخواست بدادگاه شهرستان...

متداین	نام	نام خانوادگی	پدر	شغل	محل اقامت
۱	برهان	محمد	محمد	تاجر	محل اقامت
۲	خواجهان	محمد	محمد	تاجر	محل اقامت
۳	چوانده	محمد	محمد	تاجر	محل اقامت
۴	دکتر بهبه باری	محمد	محمد	تاجر	محل اقامت

(مرجبان مطالبه و شرح دادخواست و ذکر تمام اداء و میده دعوی با فایده انحصار)

درست محمد دادگاه...
فصل...
اینک از این اوقیه قریه مناسبت قفلان در این اوقیه قاصدان قریه فرود با هم فرود آباد
اینک از این اوقیه قریه مناسبت قفلان در این اوقیه قاصدان قریه فرود با هم فرود آباد
اینک از این اوقیه قریه مناسبت قفلان در این اوقیه قاصدان قریه فرود با هم فرود آباد

۱۳۰۲